

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۶ اکتوبر ۲۰۲۴



یونس نگاه

نقش صابون در ناکامی انتخاباتی تره کی

۵۴ / خاطره‌ها، گپ‌هایی از گذشته

لباس‌ها و سر و صورت‌شان خاک‌پُر شده بودند، پیش از اینکه با تره‌کی ملاقات کنند، در پیش روی قریه، جایی که کاریز (چشمه آب رو پاک) بوده و جوی آبی جریان داشته، خود را برهنه کرده، (البته چوته داشتند) صابون‌ها را از بکس‌های‌شان کشیده و خود را شست و شو کرده بودند. زنان قریه که از آنجا با کوزه‌های‌شان آب می‌گرفتند و یا در آنجا گشت و گذار داشتند، از این وضع بد برده و آنان را به نام کافر و بی حیا فحش و ناسزا گفته بودند. اهالی قریه آن جوانان را تهدید به قتل کرده، پس آنان ناگزیر به بازگشت شده بودند.

در سال ۱۳۴۳ قانونی اساسی جدید ظاهرشاهی امکانات تازه‌ای را به‌روی گروه‌های سیاسی گشوده بود. یکی، انتخابات پارلمانی بود. پیش از انتخابات پارلمانی خلقی‌ها کار پنهانی حزب‌سازی را شروع کرده بودند و این پنهان‌کاری مانع کاندیداتوری کلان‌های خلقی از آدرس حزب شده بود. فیصله کرده بودند که از آدرس حزب کسی کاندید نشود و علاقه‌مندان از آدرس نفوذ شخصی وارد میدان گردند. کارمل و تره کی از همو وقت رقابت جدی داشته‌اند. کارمل از کابل کاندید می‌شود و تره کی به زادگاهش ولسوالی ناوه غزنی رفته، آنجا خود را کاندید می‌کند. تره کی بعد از مدتی به کابل آمده و دیده است که کل اعضاء و سمپات‌های حزب دور کارمل جمع شده و او با شور و هیجان میدان‌داری می‌کند. تره کی شلوغک کارمل در کابل و سرگردانی و تنهائی خودش در ولسوالی ناوه را وقتی مقایسه می‌کند، قهر می‌شود و رفیق رقیبش را متهم به سوء استفاده از حزب می‌کند.

کارمل برای دلداری تره کی برادرش محمود بریالی و چند جوان دیگر کابلی را به ناوه می‌فرستد تا به کمپاین رفیق تره کی کمک کنند. سرک خامه بوده و این جوان‌های کابلی مجهز با صابون و شامپو و جانپاک خود را به قریه رسانده و قبل از هرکار چشمه‌ای را یافته و آنجا خود را لچ کرده و شست و شو داده اند. چشمه محل رفت‌وآمد زنان قریه بوده و ساکنان از دیدن صحنه جان‌شوئی این جوانان در چشمه قریه به خشم آمده اند و زن و مرد با سنگ و چوب پشت این «کافران» افتاده اند. بریالی و رفیقانش از چشمه به کابل فرار کرده و کمپاین تره کی بدتر از گذشته شده است. ترکی در قریه پدری ناکام مانده بود و کارمل با رأی بالا به پارلمان رفته بود. راوی این قصه (عبدالکریم میثاق) نوشته است که تره کی، کارمل را عامل شکستش جار می‌زد و می‌گفت جان‌شوئی محمود بریالی و اندیوالانش او را در ولسوالی ناوه بدنام کرده بود. بین شهر و ده هنوز هم خیلی فاصله است ولی آن وقت بیخی فاصله بسیار بوده است.